



## نسب شناسی از قوم یهود و مسیحیت

مورخ: ۱۳۹۶/۹/۲۹

این نشست در پاسخ به برخی شبهات در باره ی نسب قوم یهود و ارتباط این قوم با مسیحیان و مسلمانان برگزار شد، که سعی شد به صورت کامل به نسب شناسی کامل قوم یهود پرداخته شود:

عبرانی ها و سریانی ها اجداد قوم یهود بودند آن ها در منطقه شمال در منطقه ای حدود آشور و نینوا و کالاک زندگی می کردند. ویژگی این قوم خشک بودن و خساست و خود برترینی و خودخواهی بود. وقتی عبرانی ها و سریانی ها وارد

منطقه ی بین کوه های زاگرس و کوه های لبنان شدند به مردم زور میگفتند، مردم این منطقه دست و دلباز بودند ، همه امکاناتی از جمله: خانه و آب و زندگی خوب داشتند ولی عبرانی ها همه چیز را برای خود جمع کردند و خساست به خرج دادند ، وقتی مردم مردم اعتراض میکردند ، می گفتند : این حق ماست. آنها خود را قوم برگزیده و ثروت را برترین چیز و بقیه اقوام را نادان می دانستند و به همین علت تصمیم گرفتند مدیریت را بر عهده بگیرند.

وقتی حضرت ابراهیم(ع) در بیت المقدس به دنیا آمدند و به پیامبری رسیدند و آنها از این امر مطلع شدند اکثر آن ها برای دیدن او به بیت المقدس کوچ کردند ولی با او به تعامل نرسیدند اما بعضی از آن ها نیز با او متحد شدند.

بعدها حضرت ابراهیم صاحب پسرانی شدند یکی اسماعیل و دیگری اسحاق، اسحاق از یکی از همسران ایشان که ساره نام داشت متولد شد و اسماعیل کسی بود که از همان کودکی صدای خدا را شنید، آن هنگام که خداوند به او امر کرد که پایش را تکان دهد و از زیر پایش آب جاری شد.

اسحاق در سرزمین بین هبرون و فلسطین زندگی می کرد و کار او این بود که برای هر قومی که از آن منطقه عبور می کردند دین خدا را عرضه می کرد.

عبرانی ها و سریانی ها با حضرت اسحاق رابطه برقرار کردند زیرا ایشان به بازرگانان امتیازاتی اعطا میکردند و میگفتند دین خدا را پخش کنید و آنان نیز با حضرت اسحاق رابطه برقرار کردند و در کنار ایشان قرار گرفتند و تعدادشان زیاد شد، بعد از چند سال حضرت اسحاق صاحب پسری به نام یعقوب شدند (یعقوب یعنی کسی که با خدا کشتی گرفت)

از خصوصیات حضرت یعقوب این بود که از مناطق جغرافیایی اطلاع داشت و بر خلاف حضرت اسحاق که در یک مناطق مختلف می ماند و مردم را بادین خدا آشنا می ساخت ایشان به نقاط مختلف رفتند و دین خدا را گسترش دادند.

فرزندان حضرت یعقوب بعد از ایشان یک ویژگی جدیدی یافتند و آن هم این بود که توسط حضرت یوسف قدرتمند شدند و تشکیل حکومت دادند و طعم حکومت به مزاجشان خوش آمد ولی دچار مشکل دنیا طلبی شدند. حضرت یوسف باعث شد که عبرانی ها طعم تمدن و کشور داری را بچشند و آن ها به خاطر دنیا طلبی از بسیاری از مسائل غافل شدند، از جمله: از صنعت و حرفه آموزی مهارت کسب نکردند و تنها ثروت اندوزی نمودند. به همین خاطر قبطی ها که از اجداد مصری ها بودند بر آنان مسلط شدند و فراعنه در مصر پدید آمدند، هجده سلسله در مصر پدید آمد که هر کدام بین ده تا سی و چهار پادشاه داشتند و این فراعنه بر مصر مسلط شدند و حدود ششصد سال در آن جا ریاست کردند و مردم سریانی و عبرانی به این دلیل که حرفه ای نیاموخته و مهارتی کسب نکرده بودند زیر سلطه آن ها قرار گرفتند، تا اینکه حضرت موسی به دنیا آمد. کاهنان و جادوگران هرگاه میخواستند کار خارق العاده ای انجام دهند از سحر استفاده می کردند آنان به فرعون گفته

بودند : پیامبری در بین قوم متولد میشود که تو را نابود میسازد. بعد از به دنیا آمدن حضرت موسی(ع) و ماجرای به پیامبری رسیدن ؛ یاران ایشان آگاهی به ولادت حضرت عیسی(ع) به عنوان پیامبر داشتند و تمام تلاش خود را در جهت فریب حواریون به کار بستند به گونه ای که با فریب حواریون باعث به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی(ع) شدند یکی از خصوصیات دیگر یهودیان این بود که خود را ضعیف جلوه می دادند و می گفتند که به ما ظلم شده است و ما انسان های بدبخت و بی چاره ای هستیم . پقلس قصد نابودی مسیحیت را داشت ، مسیحی ها هرگاه اسم این شخص می آمد از ترس پنهان می شدند . روزی مردم بیت الحزن سواری را دیدند فهمیدند که پقلس است و گریختند ، پقلس گفت : فرزندان من فرار نکنید من با دستهای بسته آمده ام اول قصد کشتن شما را داشتم اما حضرت عیسی بر من نازل شد و گفت : (( کجا میروی ؟ این کار را نکن ، من خدای شما هستم )) مسیحیان هم حرف های او را باور کردند و روح القدس از آن زمان بین مسیحیان به وجود آمد .

امام صادق (ع) می فرمایند : در جهنم پنج چاه عمیق است که یکی از آنها مخصوص پقلس است . پقلس یک مسیحیت جدید به وجود آورد ، که در خدمت صهیونیست است ، او مسیحیت را شاخه شاخه کرد تا یهودیان بر همه سرزمین ها مسلط شوند تا اینکه متوجه شدند که پیامبر آخرالزمان در مکه ظهور خواهد کرد و از اطلاعاتی که از قیافه شناسی به دست آورده بودند فهمیدند که پیامبر از نسل بنی هاشم است.

بعد از به دنیا آمدن حضرت محمد بر خلاف تصور برخی اتفاقا آمنه مادر حضرت محمد (ص) شیر برای نوزادش داشت اما چون می خواستند از یهودیها در امان بماند او را به دایه سپردند و از شهر دور ساختند و به صحراها فرستادند ، وقتی یهودی ها از مکان حضرت محمد (ص) مطلع می شوند به دنبال او میروند و . حلیمه که از این موضوع باخبر میشود پیامبر (ص) را به مکه بر میگرداند و پس از آن حضرت در خفا بزرگ میشود .

وقتی حضرت محمد(ص) به سن چهل سالگی رسید ند به پیامبری مبعوث شدند و به اذن خدا رسالت خود را بیان کردند ، یهودیان بسیار به پیامبر اکرم (ص) ظلم کردند. آن ها سرزمین مشخصی نداشتند و اغلب آواره بودند و بین عراق تا محدوده سرزمین سینا در حرکت بودند و دلیلشان بهانه گیری بود . آنها هرگاه در سرزمینی ساکن می شدند و می دیدند در سرزمین دیگری پول و کار مبادله میشود به آنجا مهاجرت می کردند زیرا بسیار

افراد دنیا طلبی بودند و میخواستند تمام کشورها زیر سلطه آن ها باشند تعداد یهودیان در کل دنیا تنها هجده میلیون نفر است که چهار میلیون آن ها در فلسطین اشغالی زندگی می کنند.